

عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان

نسرین بساک

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده:

مشارکت سیاسی یکی از ارکان توسعه سیاسی و اجتماعی است و پرداختن به آن می‌تواند روشنگر یکی از جنبه‌های توسعه یافته‌گی باشد. این پژوهش هم‌هنگام با بازکاوی اندیشه‌های اندیشه پردازان علوم اجتماعی به ویژه در قلمرو مشارکت سیاسی، به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی جوانان شهر شوشتر در سال ۹۱) پرداخته است و همچنین حساس تر کردن مسئولان جامعه به اهمیت این موضوع و ارائه راهکارهایی، برای افزایش مشارکت سیاسی جوانان ایرانی، از اهداف این پژوهش است. این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک کتابخانه‌ای و پرسشنامه پژوهشگر ساخته انجام گرفته است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر می‌باشد که از جوانان (۲۰-۲۹) ساله شهر شوشتر انتخاب شده‌اند. در قسمت چارچوب نظری پژوهش از نظریات مختلف (روانشناختی، اجتماعی اقتصادی، ساختاری و جامعه‌شناختی) جهت تبیین مشارکت سیاسی، و برای استخراج و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار SPSS استفاده شده است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که بین متغیرهای مستقل (قشربندی اجتماعی، اعتماد اجتماعی (اعتماد به دولت)، آگاهی سیاسی، تحصیلات، احساس شهروندی و استفاده از رسانه های گروهی) با متغیر وابسته (میزان مشارکت سیاسی جوانان) رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و بین متغیر جنسیت و میزان مشارکت سیاسی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر فرض اچ صفر تایید شده و فرضیه مورد نظر پذیرفته نمی‌شود و متغیر آگاهی سیاسی با دارا بودن بالاترین ضریب تعیین، و با کنترل سایر متغیرها بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی جوانان ایرانی دارد. یافته‌ها، گویای آن است که بیشتر افراد نمونه دارای گرایش متوسط به مشارکت سیاسی هستند و به طور کامل باور عمومی به مشارکت فعال در صحنه‌های سیاسی است. اگر چه میزان مشارکت سیاسی می‌تواند با توجه به ویژگیهای فردی و اجتماعی آنان متفاوت باشد.

کلید واژه‌ها: مشارکت سیاسی، مردم سالاری، قشربندی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی سیاسی، احساس شهروندی، تحصیلات، رسانه های گروهی.

مقدمه:

هدف از این پژوهش نیز ارائه نظریه‌های مربوط به مشارکت سیاسی و به کار گرفتن آنها برای بررسی وضعیت مشارکت سیاسی جوانان و عوامل اجتماعی موثر بر آن، با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از جوانان شهر شوشتر است. در حال حاضر توجه به نقش مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در توانمندسازی انسان‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش مشکلات شهری و مشکلات ناشی از عدم مشارکت جویی و یا مشارکت محدود افراد جامعه، در فعالیت‌های اجتماعی به منظور رسیدن به توسعه، از برنامه‌های مهم، و پیش روی دولتهاست. محدود ساختن قدرت حاکمان و ضمانت رسیدن به توسعه در گروه مشارکت شهروندان، به ویژه جوانان در سرنوشت خود است. چرا که از رهگذر مشارکت و درگیر ساختن توده مردم در حیات اجتماعی است که زمینه‌های دوام و پایداری نظام اجتماعی تحقق می‌یابد و از طرف دیگر مشارکت جوانان قدرت چانه‌زنی آنان را در برابر قدرت‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری، بالا برده و در نهایت به بار نشستن آرمانها و آرزوهای جوانان را موجب می‌شود. همچنین بدیهی است آگاهی از میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های سیاسی در فرایند تصمیم‌گیری مسئولان ضروری بوده و از اهمیت شایانی برخوردار است. از این رو شناخت عواملی که بر این مشارکت اثر می‌گذارد، موضوعی است که نیازمند بررسی و پژوهش است تا راهکارهای مناسبی برای دستیابی به جامعه‌ای مشارکت‌جو، به دست آید. مشارکت سیاسی همچون دیگر مفاهیم سیاسی پس از جنگ جهانی دوم و در پی پیش آمدن دگرگونی‌های بنیادی در جهان واقعی و بررسی علمی سیاست، با تعریفها و برداشتهای تازه روبرو شد. در بین اندیشه‌های حاکم بر جامعه نوین، مشارکت سیاسی، دخالت هر چه بیشتر مردم و گروههای اجتماعی در مسائل سیاسی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دانسته می‌شود. (صوری، ۱۳۷۷: ۱۲۳) برخی از نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی، مشارکت را به عنوان گونه‌ای از روش‌های عملی که در برگیرنده توزیع مجدد قدرت در میان اعضای یک جامعه است مفهوم سازی کرده‌اند که، به واسطه آن، بخشی از شهروندان جامعه که از فرایند‌های سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند امکان مجدد کنش در این حوزه‌ها را بدست می‌آورند. (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳) این در حالی است که در نگاه پاتریک مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم و به معنای بهتر افزایش شناخت و میزان توانایی‌شان برای پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است. (پاتریک، ۱۳۷۴: ۱۱۹) از نگاه اندیشه پردازان علوم اجتماعی "مشارکت" نوعی فرایند تعاملی چندسویه است که در آن مشارکت جویی و نظارت مردم، قابلیت اجتماعی - سیاسی نظام را، در دست یابی به توسعه همراه با عدالت اجتماعی، بیشتر بالا خواهد برد. (غفاری و نیازی ۱۳۸۶: ۱۲)

ربکا وایتز و ماتیو مشارکت سیاسی را در یک جامعه دارای مردم سالاری، شرکت در یک سلسله رای گیری ها با فواصل منظم برای انتخاب افراد سیاسی و شکل گیری گروههای سیاسی و شرکت در اعتراضات قانونی یا غیر قانونی می‌دانند. (ربکا وایتز و ماتیو، ۲۰۰۸: ۲۵) نتایج حاصله از بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر اسلامشهر، که توسط محمد حسن فتحی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته، نتایج حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد: داشتن دوستان سیاسی و بحث و گفتگو با آنان در مشارکت سیاسی تاثیر دارد یعنی با افزایش تعداد این دوستان و میزان ارتباط با آنها مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند. (فتحی، ۱۳۸۵)

نتایج حاصله از عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی روستاییان (مطالعه موردی روستاهای حومه شهرستان بوشهر) در سال ۱۳۸۳ که توسط عبدالرسول هاشمی انجام شده. نشان می‌دهد که ابعاد اجتماعی و فرهنگی مورد بحث در مکتب نوسازی تا حدودی می‌تواند تبیین کننده مشارکت سیاسی روستاییان باشد با این قید که می‌بایست نقش عوامل محیطی و سیاسی ایدئولوژیکی را نیز در نظر گرفت. (هاشمی: ۱۳۸۳)

وربا، نای و کیم در اواخر سال ۱۹۶۶ و اوایل ۱۹۶۷ مطالعه ای با عنوان «مشارکت سیاسی چرخه زندگی» انجام داده اند. داده ها از حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ مصاحبه از کشورهای استرالیا، هند، ژاپن، نیجریه و ایالات متحده صورت گرفته است. آنها به این نتیجه رسیده اند که ارتباط منظمی بین سن و مشارکت سیاسی وجود دارد و افراد جوان و سالخورده دارای میزان مشارکت سیاسی پایین می‌باشد و میانسالان دارای میزان مشارکت سیاسی بالایی می‌باشند. آنها بیان کردند که بطور واقعی افراد جوان کمترین مشارکت را دارند و شهروندان جوانتری که مدت طولانی در اجتماع سکونت داشتند، نسبت به کسانی که تازه وارد هستند از لحاظ سیاسی بیشتر فعال هستند. در انتهای دیگر مقیاس سنی، شهروندان مسن تری که در نیروی کار فعال باقی مانده اند نسبت به کسانی که بازنشسته اند بیشتر از لحاظ سیاسی فعال هستند. (1974: Verba- Nic & Kim) روجرز در پژوهشی با عنوان «تفاوت در نگرش های سیاسی مالکان روسی و مشارکت سیاسی آنها» بیان می‌کند که نوع سرمایه، مقدار سرمایه، درجه جامعه پذیری سیاسی در گذشته، سن پاسخگو، تجربه های نسلی، تفاوت بین رفاه گذشته و حال تحصیلات باعث تفاوت در نگرش های سیاسی و مشارکت سیاسی آنها شده است. (Rogers, 2006).

کوبیزی در پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزش رسمی و غیر رسمی بر مشارکت سیاسی شهروندان سنگالی» که از یک نمونه احتمالی شامل ۱۴۸۴ شهروند سنگالی بوده به این نتیجه رسیده که آموزش رسمی و غیر رسمی تاثیر مشابهی بر رفتارهای سیاسی دارد ولی تاثیر آموزش غیر رسمی قوی تر است. آموزش غیر رسمی تاثیر مثبتی بر مشارکت سیاسی دارد و احتمال اینکه یک فرد رای بدهد و در ارتباط با مسائل اجتماعی و شخصی با مقامات رسمی ارتباط برقرار کند را افزایش می‌دهد. (Kuenzi, 2006). گیو در پژوهشی با عنوان «تاثیر عضویت سازمانی بر مشارکت سیاسی در چین» به این یافته ها رسید که امروزه در چین، سازمانهای رسمی از لحاظ ماهیت و عضویت متفاوت هستند و تاثیر متفاوتی بر مشارکت سیاسی دارند. در مقایسه با حزب کمونیست و سازمان های توده ای، انجمن های شهری در چین، بیشتر داوطلبانه هستند و عضویت در آنها به صورت فعال است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل در سراسر کشور چین نشان داد که عضویت در حزب یا سازمان های توده ای توسط کانال های مامور مزیت هایی را برای مشارکت سیاسی دارد ولی اثر الزام آوری روی فعالیت های نامتعارف ندارد. اما عضویت در انجمن های شهری به طور معنی داری همه نوع مشارکت سیاسی را تسهیل می‌کند. (Guo, 2007) روبین، الیزابت و لاری پژوهشی با عنوان «رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی» انجام دادند. در این پژوهش، مقیاس های راجع به رفتارهای مذهبی گوناگون، آداب و رسوم مذهبی و عقاید مذهبی بررسی شده تا تاثیرشان بر روی مشارکت سیاست سنجیده شود. از داده هایی که از بررسی مذهبی بایلور در سال ۲۰۰۵ صورت گرفته شده و به این یافته هارسیدند که عقاید مذهبی به طور معنی داری با مشارک سیاسی ملی ارتباط دارد. فعالیت های مذهبی که با سنت مذهبی مشخص می‌شوند مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهند، اما مشارکت در فعالیت های کلیسا، مشارکت سیاسی را افزایش می‌دهد. آنها بیان می‌کنند که انواع مختلف عقاید مذهبی به طور متفاوتی بر مشارکت سیاسی تاثیر می‌گذارد. اگرچه بعضی از عقاید مذهبی به طور معنی داری رفتار سیاسی را افزایش می‌دهند، اما افرادی که به خدای یکتا اعتقاد دارند کمتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند. بنابراین وسعت عقاید مذهبی با فعالیت سیاسی هم پوشی دارد. فرد گرایی و عقاید خرد هیچ تاثیری بر روی فعالیت های سیاسی ملی ندارند و ارتباط مذهبی کلان با مشارکت سیاسی ملی رابطه دارد. (Robyn & Elizabeth & Larry, 2008)

جامعه ما در سه دهه اخیر دگرگونی های پرشتابی را در مورد نقش مردم در اداره امور مملکت به خود دیده است. مشارکت سیاسی جوانان، موضوعی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود موضوعی که هدف نهایی توسعه بوده و همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی و سیاسی بوده است. لذا در این تحقیق بر آن شدیم تا عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی جوانان را مورد بررسی قرار دهیم

روش تحقیق

ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است، که بر اساس مفهوم سازی نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته، تهیه شد. پرسشنامه تهیه شده در دو جامعه آماری ۱۵ نفره در دو مرحله مورد پیش آزمون قرار گرفت که پس از جمع آوری و اصلاحات لازم با ۵۳ پرسش نهایی شد و مورد استفاده قرار گرفت جامعه آماری پژوهش جوانان شوشتری میباشد. با توجه به مفهوم سازی که از گروه سنی جوان شد (جمعیت ۲۰-۲۹ ساله) و



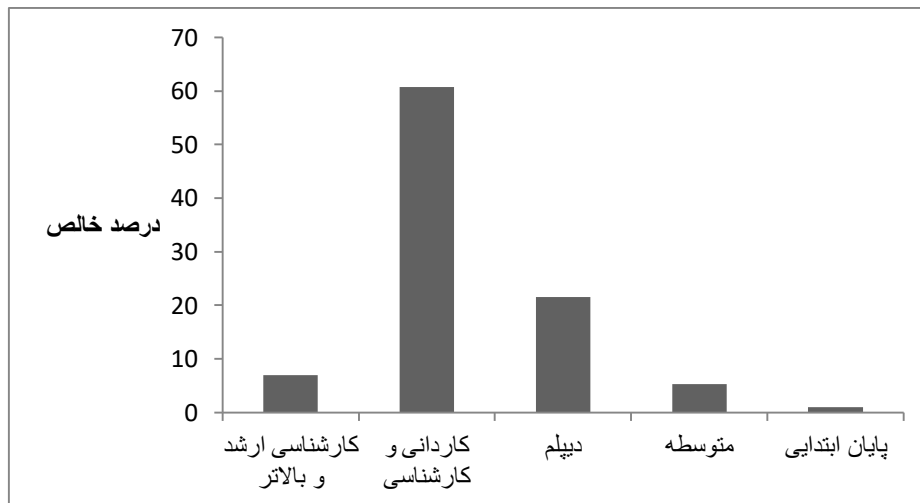
دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی‌ماه ۱۳۹۶ - تهران

همچنین با توجه به نوع پژوهش که توصیفی بوده و متغیرها که در سطح ترتیبی سنجیده می‌شوند نمونه پژوهش بر اساس حد نصاب‌های ارائه شده در جدول کریجکی و مورگان از جمعیت ۵۰ هزار نفری جوانان شهر شوشتر، که در این رده سنی قرار داشتند به دست آمد، که نتیجه آن تعداد ۳۸۴ نفر بود (ازکیا و دربان، ۱۳۸۲: ۲۷۱). اما با توجه به این نکته که در هر پژوهش میدانی امکان وجود پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص هست که در پردازش اطلاعات نیز نمی‌توان از آن استفاده کرد لذا برای از بین رفتن این مشکل، نمونه خود را ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد. لازم به توضیح است روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای است به همین منظور قلمرو مکانی پژوهش به سه قسمت شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم گردید و متناسب با جمعیت هر منطقه پرسشنامه در منطقه‌های مختلف توزیع شد. برای بالا بردن روایی یا اعتبار پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شده است. یعنی نظرات اساتید و صاحب‌نظرانی چون استاد درستی، دکتر نواح و دکتر پور افکاری به منظور تهیه و تنظیم پرسشنامه جویا شده، همچنین سوالات و پرسشنامه‌های پژوهش‌هایی که در سطح کلان انجام شده نیز مورد مطالعه قرار گرفته است

یافته‌های تحقیق

در این بخش به بررسی توصیفی وضعیت مشارکت سیاسی جوانان در شوشتر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه‌ها از نمونه آماری یاد شده می‌پردازد. با توجه به نمودار ۱ که برغم اینکه حدود ۷۰ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی و کارشناسی ارشد هستند ولی مشارکت سیاسی چندان دلخواه به نظر نمی‌رسد و این پرسش بوجود می‌آید که آیا آموزش عالی توانسته است به این انتظارات پاسخ دهد که با بالا رفتن تحصیلات، مشارکت سیاسی نیز بالا می‌رود؟



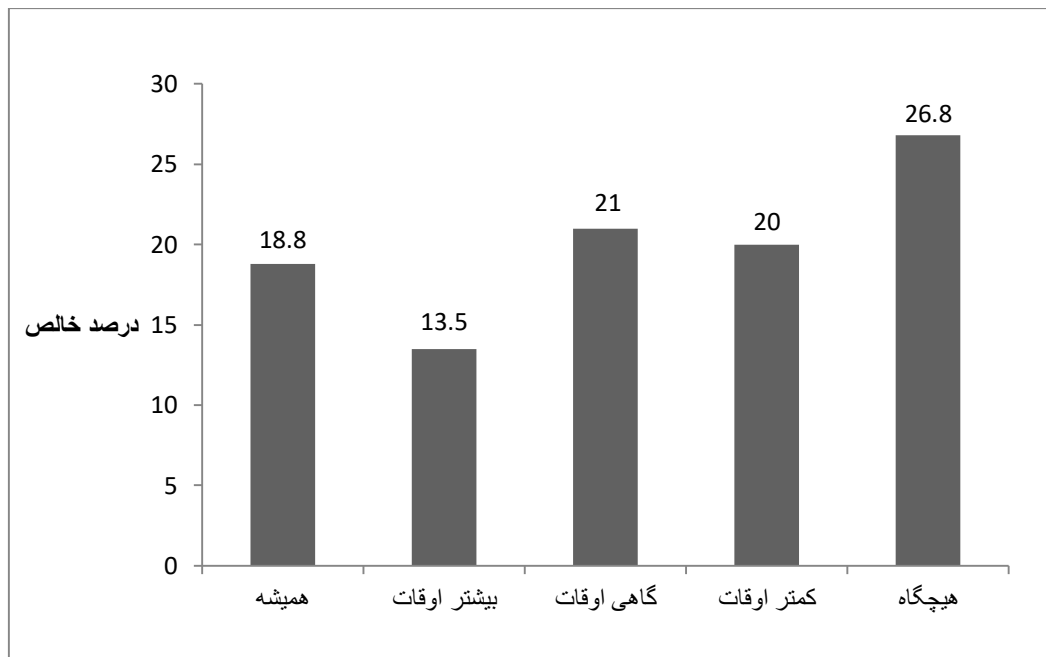
نمودار ۱: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب میزان تحصیلات

نمودار ۲، نشان می‌دهد که ۲۷ درصد پاسخگویان این پژوهش، هیچگاه در گردهمایی‌ها و اجتماعات رسمی و دولتی شرکت نداشته‌اند. ۲۱ درصد گاهی اوقات و، ۲۰ درصد از آنان کمتر اوقات حضور داشته‌اند. حدود ۷۰ درصد جامعه نمونه در گردهمایی‌ها شرکت فعال ندارند و با مقایسه داده‌های آن با جدول (۴-۴) که نشان می‌دهد بیشتر این افراد در بخش‌های دولتی شاغل هستند، جای درنگ دارد.



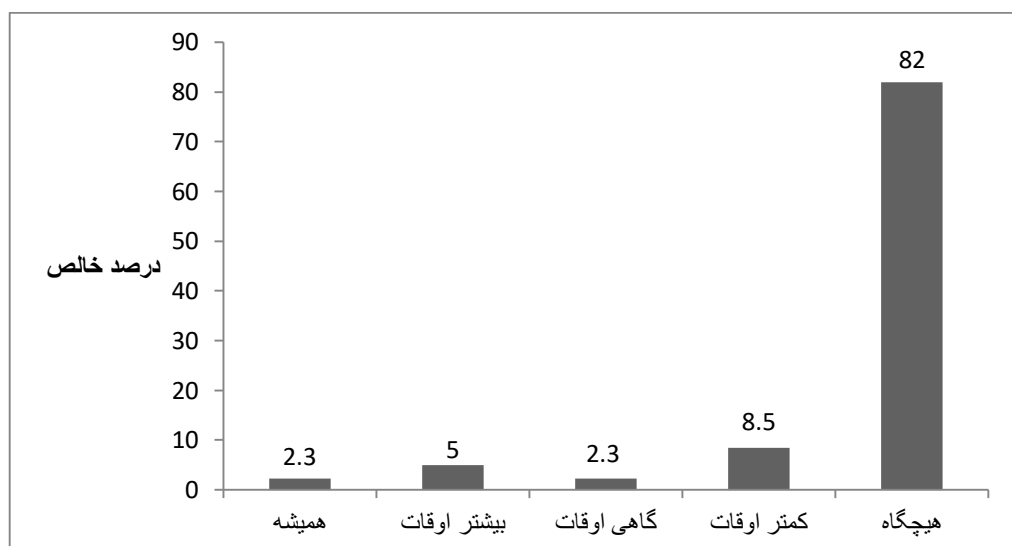
دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۶ - تهران



نمودار ۲: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب شرکت در گردهماییها

نمودار ۳، نشان می‌دهد ۸۲ درصد از افراد نمونه مورد پژوهش هیچگاه عضو یک حزب سیاسی نبوده اند و با توجه به این که ۷۷ درصد جامعه نمونه در رای گیری های ملی و محلی شرکت فعال دارند فقط ۷ درصد علاقه مند عضویت و فعالیت در احزاب و گروههای سیاسی هستند و در اینجا این پرسش بوجود می‌آید که چرا؟ چه موانعی بر سر این راه وجود دارد؟ چه نهادی یا چه فرایندی می‌تواند به این امر کمک کند؟ پیشنهاد می‌شود این عنوان، با پژوهش های بیشتر مورد کاوی و باز شکافی شود.



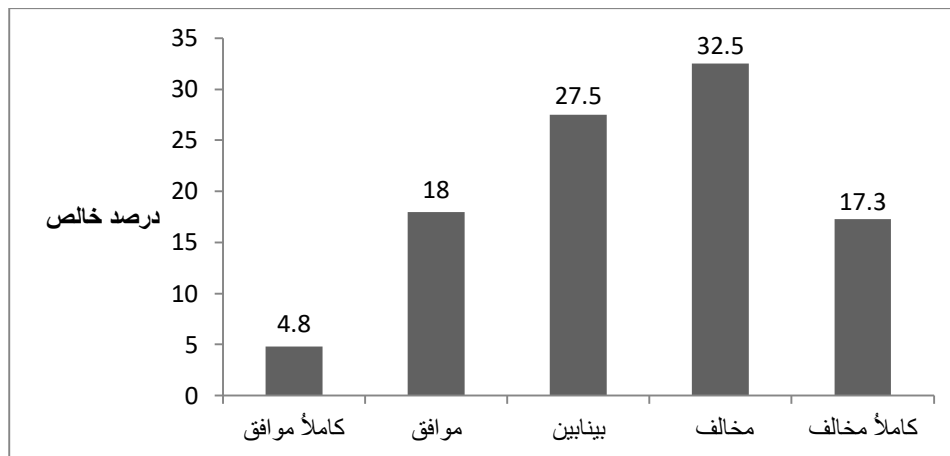
نمودار ۳: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب عضویت و علاقه مندی به فعالیت در احزاب و گروههای سیاسی

بر پایه داده های نمودار ۴، می‌توان گفت که ۳۲/۵ درصد پاسخگویان این پژوهش مخالفند که نهادهای سیاسی کشور در جلب اعتماد مردم موفق بوده اند، ۱۷/۵ درصد نظری بینابین داشته و ۱۷/۳ درصد نیز با این نظر کاملاً مخالفند.



دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی‌ماه ۱۳۹۹ - تهران



نمودار ۴: توزیع فراوانی پاسخ دهندگان برحسب موفقیت نهادهای سیاسی کشور در جلب اعتماد مردم

جدول ۱: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب شاخص مشارکت سیاسی

میزان مشارکت سیاسی	فراوانی	درصد کل	درصد خالص	درصد تجمعی
پایین	۴۴	۱۱,۰	۱۱,۰	۱۱,۰
متوسط	۲۹۴	۷۳,۵	۷۳,۵	۸۴,۵
بالا	۶۲	۱۵,۵	۱۵,۵	۱۰۰,۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

میانگین: ۲

میانه: ۲

نما: ۲

انحراف معیار: ۰/۲۶۴

بر مبنای شاخص مشارکت سیاسی، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگوی این پژوهش، ۶۲ نفر دارای مشارکت بالای سیاسی بوده اند، ۲۹۴ نفر یعنی ۷۳/۵ درصد دارای مشارکت متوسط و ۱۱ درصد یعنی ۴۴ نفر مشارکت سیاسی پایین داشته اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی جامعه نمونه بر حسب شاخص احساس شهروندی

میزان احساس شهروندی	فراوانی	درصد کل	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۱۰۶	۲۶,۵	۲۶,۵	۲۶,۵
متوسط	۲۲۷	۵۶,۸	۵۶,۸	۸۳,۳
زیاد	۶۷	۱۶,۸	۱۶,۸	۱۰۰,۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

میانه: ۲

نما: ۲

انحراف معیار: ۰/۴۲۴

براساس شاخص احساس شهروندی پاسخگویان پژوهش می توان گفت: بیشتر افراد نمونه پژوهش یعنی ۵۶/۸ درصد دارای احساس شهروندی در حد متوسط بوده اند، ۲۶/۵ درصد کم و ۱۶/۸ درصد دارای احساس شهروندی در حد زیاد بوده اند.

دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی

دی ماه ۱۳۹۹ - تهران

جدول ۳: توزیع فراوانی جامعه نمونه برحسب شاخص استفاده از رسانه های جمعی

استفاده از رسانه های جمعی	فراوانی	درصد کل	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۲۷۰	۶۷,۵	۶۷,۵	۶۷,۵
متوسط	۱۲۰	۳۰,۰	۳۰,۰	۹۷,۵
زیاد	۱۰	۲,۵	۲,۵	۱۰۰,۰
جمع کل	۴۰۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

میانہ: ۱

نما: ۱

انحراف معیار: ۰/۲۷۸

بر پایه داده های بالا ۶۷/۵ درصد یعنی ۲۷۰ نفر از پاسخگویان از رسانه های جمعی در حد کم استفاده می کنند، ۱۲۰ نفر یعنی ۳۰ درصد در حد متوسط و ۲/۵ درصد در حد زیاد از رسانه های گروهی استفاده می کنند.

جدول ۴: رابطه مشارکت سیاسی و قشر بندی اجتماعی

جمع کل	مشارکت سیاسی			قشر بندی اجتماعی
	زیاد	متوسط	کم	
۴۱	۶	۲۹	۶	پایین
۱۳۳	۲۹	۸۳	۲۱	متوسط
۳۷	۵	۳۲	۰	بالا
۲۱۱	۴۰	۱۴۴	۲۷	جمع کل

کا اسکور: ۹/۸۳

سطح معناداری: ۰/۰۴

درجه آزادی: ۴

با توجه به اینکه سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد فرضیه این پژوهش تایید خواهد شد. این بدان معناست که بین قشر بندی اجتماعی افراد و مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد یعنی اینکه هر چه افراد از قشر بالاتر اجتماعی برخوردار باشند از مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردارند.

جدول ۵: رابطه مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی

جمع کل	مشارکت سیاسی			آگاهی سیاسی
	زیاد	متوسط	کم	
۲۱۷	۶	۱۷۶	۳۵	کم
۱۴۴	۳۱	۱۰۶	۷	متوسط
۳۹	۲۵	۱۲	۲	زیاد
۴۰۰	۶۲	۲۹۴	۴۴	جمع کل

کا اسکور: ۱۰۸/۲۵

سطح معناداری: ۰/۰۰۰

درجه آزادی: ۴

با توجه به اینکه سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد فرضیه این پژوهش نیز تایید خواهد شد. این بدان معناست که بین آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد. به درستی می توان بیان داشت که هرچه میزان آگاهی سیاسی افراد بیشتر می شود مشارکت سیاسی آنها هم بیشتر خواهد شد.

تحلیل رگرسیونی چند متغیره این امکان را به پژوهشگر می دهد که رابطه یک یک متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته با کنترل کردن آماری اثر سایر متغیرهای مستقل موجود در رابطه، مطالعه کند. نرم افزار SPSS طوری طراحی شده که متغیرهای مستقل معرفی شده را به ترتیب میزان اهمیت (بالا بودن سطح معناداری رابطه) وارد معادله رگرسیون کرده و نوع و میزان رابطه متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته نشان می دهد. البته هر متغیر را که وارد معادله می کند، سایر متغیرهای معادله را کنترل می کند تا همبستگی بین متغیرها سبب افزون نشان داده شدن رابطه نشود.

جدول ۶: نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیره شاخص ها

مقدار R square	سطح معناداری	مقدار ضریب Beta	مقدار ضریب F	نام متغیر مستقل
۰/۲۵۷	۰/۰۰۰۰	۰/۵۰۷	۱۳۷/۱۳	آگاهی سیاسی
۰/۱۱۹	۰/۰۰۰۰	۰/۳۴۵	۵۳/۴	احساس شهروندی
۰/۰۸۸	۰/۰۰۰۰	۰/۲۹۶	۳۸/۰۶	اعتماد به دولت
۰/۰۴۷	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۶	۱۷/۳۳	قشر بندی اجتماعی
۰/۰۲۰	۰/۰۰۰۰	۰/۱۴۲	۷/۷۸۹	میزان تحصیلات
۰/۰۰۸	۰/۰۸۰۰	-۰/۱۸۸	۳/۰۷	جنسیت
۰/۰۰۵	۰/۱۵۰۰	۰/۰۷۲	۲/۰۴	استفاده از رسانه های جمعی

ستون های جدول ۴-۳۵، به ترتیب اطلاعات زیر را به ما ارائه می دهند: نام متغیر مستقل، مقدار ضریب F که حاصل تحلیل واریانس است، مقدار ضریب Beta که جهت و شدت رابطه استاندارد شده بین متغیر وابسته و مستقل را نشان می دهد، سطح معناداری رابطه که بیان کننده احتمال خطا در قضاوت وجود رابطه بین دو متغیر در جمعیت آماری می باشد و در نهایت R square که مشخص می کند متغیر مستقل چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را می تواند تبیین کند. مقایسه داده های این جدول نشان می دهد، از میان متغیرهای مستقل بررسی شده بالاترین مقدار F و بالاترین ضریب Beta متعلق به شاخص آگاهی سیاسی است که یکی از بالاترین سطوح معناداری را دارد یعنی احتمال خطا در قضاوت وجود رابطه در جمعیت آماری مورد مطالعه کمتر از یک در هزار است. مقدار ضریب تعیین یعنی R square، ۰/۲۵۷ نشان می دهد این شاخص با کنترل سایر متغیرهای مستقل بیشترین اثر را در مشارکت سیاسی جوانان داشته است و بیشترین مقدار از تغییرات آن را تبیین می کند.

بحث و نتیجه گیری

این تحقیق در نظر دارد همهنگام با بازکاوی اندیشه های اندیشه پردازان علوم اجتماعی به ویژه در قلمرو مشارکت سیاسی، میزان مشارکت سیاسی جوانان شوشتر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن را بررسی کند. همچنین حساس تر کردن مسئولان جامعه به اهمیت این موضوع و ارائه راهکارهایی برای افزایش مشارکت سیاسی جوانان از دیگر اهداف این پژوهش است. بنا بر نظریه های ساختارگرایانه آنچه بیش از همه در میزان مشارکت سیاسی مردم اثر می گذارد، نوع ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم در جامعه است. مثلاً، اگر ساختار سیاسی حاکم بر جامعه ای مردم سالار و مشارکتی بود و آزادی سیاسی بالایی در آن وجود داشت، تشکل ها و احزاب و رسانه های جمعی به طور آزادانه در چنین فعالیت داشته باشند، مردم نیز تمایل بیشتری برای مشارکت سیاسی خواهند داشت تا جامعه ای که ساختار سیاسی اش غیرمردم سالار و اقتدارگرا است.

در کل متغیرهای ساختاری بیشتر از متغیرهای فردی و خانوادگی در این نظریه کلان نگر اثرگذارند. نظریه نهادمندی سیاسی یکی از نظریه های کلان نگر ساختارگرایانه است که در آن بر نهادمندی سیاسی به منظور افزایش مشارکت سیاسی پا می فشارد. - بر اساس بررسی شاخص اعتماد به دولت، و بر پایه مبنای نظری و پژوهشی، هرچه افراد جامعه از درجه اعتماد به دولت بالاتری برخوردار باشند دارای مشارکت سیاسی بالاتری خواهند بود.

نظریه اثربخشی و یا اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی فعالانه افراد را به میزان اثرگذاری فعالیتشان در امور جامعه مربوط می داند. همچنین بر مبنای نظریه وظیفه شهروندی، کسانی که احساس مسئولیت شهروندی بیشتری می کنند مشارکت سیاسی فعالانه تری خواهند داشت. نظریه های اجتماعی - اقتصادی به رابطه متغیرهایی مانند قشر بندی اجتماعی، شغل، تحصیل، محل زندگی، قومیت با میزان مشارکت سیاسی پا می فشارد. لازم به توضیح است رابطه قشر بندی اجتماعی با مشارکت سیاسی از نظریه های مهم جامعه شناسی است، به طوری که تقریباً پذیرفته شده است، کسانی که مشارکت سیاسی فعالانه تری دارند متعلق به قشرهای اجتماعی بالاتر جامعه هستند، افزون بر آن بحث نقش، پایگاه و منزلت اجتماعی افراد و اجتماعی شدن سیاسی و آگاهی سیاسی نیز در این قسمت مطرح می شود، یعنی آنان که در خانواده هایی با مشارکت سیاسی بالا بزرگ می شوند و از آگاهی سیاسی بیشتری برخوردارند بیشتر درگیر فعالیت های سیاسی می شوند. بنابراین به طور کلی می توان گفت براساس نظریه های اجتماعی - اقتصادی، هم شرایط اقتصادی و هم شرایط اجتماعی افراد بر میزان مشارکت سیاسی آنان اثرگذار است. بدین ترتیب، بررسی روابط بین متغیرهای مستقل مطرح شده در فرضیه ها و متغیر وابسته مشارکت سیاسی این پژوهش با استفاده از جداول دو بعدی و ضرایب مناسب نشان داد که از ۶ فرضیه یاد شده نخستین فرضیه (رابطه جنسیت و مشارکت سیاسی) رد و فرضیه های مربوط به متغیر های (آگاهی سیاسی، اعتماد به دولت، قشر بندی اجتماعی، احساس شهروندی و تحصیلات)، مورد تأیید قرار گرفتند. البته سطح معناداری بین متغیرها در فرضیه های مختلف متفاوت بود. همچنین از تحلیل رگرسیونی متغیرها نیز مشخص شد متغیر آگاهی سیاسی با بالاترین ضریب تعیین یعنی ۰.۲۵۷، نشان می دهد که با کنترل سایر متغیرها بیشترین تأثیر را در مشارکت سیاسی جوانان داشته است.

راهکارها و پیشنهادها

افزایش پاسخگویی دولتمردان به گونه ای نهادینه از جمله راهکارهای اساسی افزایش مشارکت آگاهانه سیاسی است که نیازمند تقویت نهاد های مدنی ارزیابی و نظارتی است. در این رابطه، وجود رسانه های مستقل و آزاد به شکلی که به افزایش پاسخگویی دولتمردان بیانجامد، بسان رکن چهارم جامعه مدنی نیز، می تواند کمک موثری باشند. فعالیت های سیاسی در کشور باید دارای شفافیت باشد، شفافیت به مفهوم چرخش آزاد اطلاعات به گونه ای که در دسترس همگان باشد و پاسخگو بودن در برابر عملکرد هاست. تا بر مبنای آن مردم بتوانند از رهگذر اجتماعی سیاسی گزینه های مورد نظر خود را بر گزینند.

پیشنهاد می شود با انجام پژوهشهای مشابه در دیگر بخشهای کشور و یا در عرصه ملی به آنها پرداخته شود.

بررسی عوامل نهادی یا فرهنگی موثر بر پارادوکس (عدم شرکت در گردهمایی ها، ولی شرکت فعال ۷۷ درصدی در رای گیری ها) و بررسی انگیزه های فرهنگی یا اجتماعی بر این رفتار اجتماعی.

در پایان می توان چنین جمع بندی کرد که میان مشارکت سیاسی، در زمینه مورد مطالعه، و عوامل اجتماعی اثر گذار بر آن همگرایی مورد انتظار دیده نمی شود. به سخنی روشن تر، وجود تناقض نماها (پارادوکس ها) در یافته های این جستار می تواند به گونه ای بیان گر کژتابی ها در شکل گیری جامعه مدنی ایرانی تلقی شود، به گونه ای که باز کاوی کنش و واکنش های اجتماعی - سیاسی بر پایه بنیان های نظری جامعه شناسی ملت - دولت نوگرا (مدرن) را با چالش های زیادی روبرو می سازد.

منابع

- ۱- راش، مایکل. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- پاتریک. (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی*، تهران: انتشارات مرندید.
- ۳- غفاری و نیازی. (۱۳۸۶). *بررسی وضعیت آنومیک و ارتباط آن با مشارکت سیاسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات ایران، دانشگاه تهران.
- 4- Rebecca Weitz and Matthew S. (2008), "Political Participation and Quality of Life" Columbia University, pp.25-50



۵-فتحی، محمد.(۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان شهر اسلامشهر در سال ۱۳۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.

۶-هاشمی، ع.(۱۳۸۳). عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستائیان (مطالعه موردی روستاهای حومه شهرستان بوشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران.

7-Nie, Norman H; Verba, Sidney; Kim Jae-On (1974).-"Political Participation and the Life Cycle", Comparative Politics, Vol.6, No.3, pp.319-340.

8-Rogers, Nathalia, (2006), "Political Attitudes and Political Participation of Russian Capital Owners: What Matters?" Political Power and Social Theory, Vol.18, pp.41-83

9-Kuenzi, Michelle. T. (2006); "Nonformal Education, Political Participation over the Adult Life Span" Political Behavior, Vol.17, No.1, pp.86-106

10-Guo, Gang (2007), "Organization Involvement and Political Participation in China", Comparative Political Studies, Vol.40, Issue.4, pp.457-482.

11-Robyn Driskell, Elizabeth, Embry, Larry, Lyon (2008) "Faith and Politics; The Influence of Religions Beliefs on Political Participation", Social Science

۱۲-ازکیا، م. و دربان آستانه، ع.(۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: انتشارات کیهان، چاپ اول.